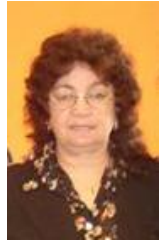




با شاعر و نویسنده گرانقدر کشور ما عزیزه عنایت معرفی شوید

مصاحبه کننده : انجنیر عبدالقادر مسعود



دوستان و خواننده گان عزیز و گرامی سلام خدمت یکایک شما. گفت شنودی با محترمه عزیزه عنایت شاعرو نویسنده ورزیده کشورمان داریم که توجه شما عزیزان را به مطالعه ی آن جلب مینمایم .

در سر زمین باستانی و مردخیز افغانستان بهترین نخبگان, دانشمندان

نویسندگان, محققان, شاعران در عرصه های ادب شناسی, باستان شناسی, زیبا شناسی, زبان شناسی, ژورنالیزم سیاست, تاریخ و غیره قدبرافراشته و مشعل خدمت گذاری را در عرصه, مسایل علمی, فرهنگی و ادبیات کشورمان فروزان نگهداشته اند و فروغی را در زمینه های فوق الذکر به ارمغان آورده اند که کار نامه های شان قابل ستایش و تحسین است .

اکنون سخن در مورد یکی از چهره های فرهنگی سرافراز و سخن

سرایان شعر و ادب زبان دری است.

این شاعرنازک اندیش و شیرین سخن در جمع درخشان ترین ستاره های

شعر و ادب کشور ما مشعل پر جلال شعر و ادب را فروزان نگهداشته و رونق بخشیده است .

این شاعر پر حوصله , متواضع و ظریف اندیش کشور ما محترمه

عزیزه عنایت است که دانش, ذکاوت و علاقه فراوان وی در نویسندگی, شعر

و ادبیات قابل تمجید است . شاعره ی گرانمایه در آثار خود تنها از شمع

گل , پروانه , بلبل و طرهء پیچان یاد ننموده بلکه او شاعری است که

احساسات خود را همیشه در مورد وطنش, رنج و مصیبت های که دامنگیر

هموطنانش است نیز ابراز نموده و با تمام وجودش آنرا لمس و احساس کرده

که آنرا در سروده ها و مقالات خود انعکاس داده است و فعلاً هم در دیار

غربت در رنج, درد و ناله های مردم وطن خود, خویش را شریک میداند .

محترمه عزیزه عنایت در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در ولسوالی

اندخوی مربوط ولایت جوزجان دیده به جهان گشوده و بعد از مدتی پدرشان

محترم محمد کریم نسبت وظیفه ی افسری اش در کابل متوطن گردیده که

موصوفه نیز دوره تحصیلات خود را در شهر کابل به پایان رسانیده است .
وی از سال ۱۳۴۷ الی ۱۳۷۲ هجری شمسی مدتی ۲۵ سال در وظیفه
دولتی مشغول بوده و مدتی ۱۰ سال را به حیث مدیر عمومی سوانح برشنا
موسسه وزارت آب و برق ایفای وظیفه نموده است .

در سال ۱۳۷۲ نظر به شرایط ناگوار کشور مانند دیگر زنان هموطن
ما وظیفه دولتی را ترک گفته و نشستن به منزل را ترجیح میدهد.
در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی در شهر مزارشریف ذوق و علاقه ی
شعری او تبارز کرده عواطف و احساسات او باعث شده که به سرودن شعر
آغاز نماید .

اشعار این شاعره آزاده در روزنامه های انیس، پامیر در کابل، بیدار
در مزارشریف، روزنامه فاریاب، آرمان ملی، جریده نگاه، مجله ژوندون،
آواز، میرمن، حقیقت انقلاب ثور، در کابل و در خارج از کشور در روزنامه های
تاجکستان، وحدت ملی و ماهنامه کدواله در مسکو، مجله معتبر بخارادر ایران
مجله پژواک، بانوان ایرانیان، پنجره، راه نودرها لند، پرستوها در دنیمارک و
فصل نامه ی نور و بانوان در اتریش بچاپ رسیده است .

عزیزه عنایت از سال ۱۳۶۴ هجری شمسی تا سال ۱۳۷۱ هجری
نزد مرحوم استاد محمد عبدالحمید اسیر که در میان خانقاهیان سوخته و سجاده
نشینان آراسته بنام قندی آغا معروف هستند علم عروض و لازمه پنج گانه ی
شعر را تدریس نموده اند.

در سال ۲۰۰۳ میلادی گزیده اشعار او بنام (سیر زندگی) در کشور
هالند اقبال چاپ یافت و همچنان اثر دیگری وی بنام (فروغ سحر) در کشور
ایران در سال ۲۰۰۸ میلادی به طبع رسید که اثر سومی و چهارم وی بنام
های (مرداسیر و افغانستان در پنجه نا ملایمات) عنقریب چاپ و بدسترس
عزیزان علم و ادب قرار خواهد گرفت .

اینک مصاحبه ی را که با شاعره گرانقدر که در عالم غربت در کشور
هالند بسر میبرند ترتیب و تنظیم نموده ام برای علاقه مندان شعر و ادب آنرا
پیشکش مینمایم .

1- پرسش: خانم عزیزه عنایت باعرض سلام وادب . لطف نموده خود را معرفی
معرفی نماید.

پاسخ: با تشکر از شما . نخست از همه صمیمانه ترین سلامها و احترامات
خویش را خدمت خواننده گان عزیز تقدیم داشتم و اظهار می دارم
که نام من عزیزه و اسم فامیلی ام عنایت است که فعلاً در کشور هالند

زندگی میکنم .

2- پرسش : کدام انگیزه با عث شد که به شعر گفتن آغاز نمودید ؟

پاسخ : از مدت ها حتی با ید بگویم که از دوران کودکی ام شعر رادوست داشتم هر جا نامی از شعر و سرود میرفت ناخود آگاه بدانسو کشا نیده میشدم و علاقه مندی عجیبی در خود احساس میکردم تا اینکه شبی خوابی دیدم و همان خواب با عث شعر گفتن من شد.

3- پرسش : عزیزه جان .بعد از اینکه به شعر و شاعری رو آوردید اولین شعر شما کدام شعر بود و کدام عوامل و انگیزه ی با عث شد که این شعر را انتخاب کردید ؟

پاسخ : از زمانیکه به سرودن شعر پرداختم اولین شعر من همان صحنهء راکه در خواب دیده بودم بعنوان ثریا در قالب شعر ریختم و آن اولین شعر من است.

4- پرسش : در فعالیت های ادبی تان نقش و تا ثیر فامیل تان چه بوده ؟

لطفاً در زمینه اگر معلومات ارایه نماید بهتر خواهد بود؟

پاسخ : نقش فامیل من در کارهای فرهنگی ام بخصوص در ابتدا شوهرم و بعد ها پسردومم بنام وحیدالله جان بسیار موثر و ارزنده بوده که مرادر این راه بیشتر تشویق نموده اند و ممنون هر یک شان هستم .

5 - پرسش : محترمه خانم عنایت ! میتوانید در مورد وضع فامیلی خود معلومات

دهیید ؟

پاسخ : من ازدواج کرده ام ثمرهء این ازدواج دو پسر و دو دخـتر میبا شد که پسر بزرگ و دخترانم فارغ دانشگاه های انجنیری ، ادبیات بوده و پسر خوردم سویه بکلوریا دارد . که نسبت شرایط نا مساعد به تحصیلات خویش ادامه داده نتوانست . فعلاً عروسی کرده اند و زندگی های مستقل دارند .

6 - پرسش : عزیزه جان از خاطرات شیرین و تلخ تان امکان دارد حکایت نماید؟

پاسخ : البته زندگی توام با نشیب و فرازهای است که شیرینی و تلخی را با خود همراه دارد که یکی از شیرین ترین خاطره های من این است که در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ که در امریت برق مزارشریف بحیث مامور ایفای وظیفه میکردم و در همین سالها یکی پی دیگر اشعار من در روز نامه بیدار در مزارشریف بنشر میرسیدند که در آن وقت محترم بارز آمربرق مزارشریف روزنامهء را که در آن شعر من چاپ شده بود در دفترم با جمعی از کارمندان آورد و برایم تبریکی داد و در ضمن

علاوه نمود که امریت برق مزاربوجود شما افتخار میکند. برای من این مسئله بسیار جالب و خوش آیند بود بخاطر یکه در آن زمان هم به مقام زن کسی ارزش قایل نبود. و من که منحیث یک زن چنین سخنی رادر حضور عده از مردان و همکارانم شنیده بودم بسیار خوشحال و تاکنون خاطره شیرین آن در خاطریم باقی است. و تلخ ترین خاطره، زندگی من زمانیکه وطن عزیزم را به عزم مهاجرت ترک میکردم.

۷- پرسش: خانم عنایت! در پهلوی همه انگیزه های شعری تان آیا شما

عواطف و احساسات تانرا به خاطر خواسته های ملی و بشری وطن خود هم انعکاس داده اید اگر انعکاس داده اید در کدام شعر و نوشته ء تان؟

پاسخ: نه تنها شاعرو نویسنده بلکه هر هنر آفرینی بدون احساسات و عواطف

بشری نمیتواند اثری را ایجاد کند زیرا هنر آفرین برداشتی را که از

جامعه و ماحول خویش میکنند آنرا دوباره توسط اثر خویش

به جامعه تقدیم میکند که در سروده ها و نوشته های من نیز چنین چیزی

وجود دارد بطور مثال کشورایران در اوایل ۲۰۰۸ میلادی مهاجرین

افغان را باوضع بسیار مشقت بار به این سوی مرز(افغانستان)ردمرز

میکرد که در آن جمله اطفال نیز شامل بودند و حینکه از طریق رسانه

های جمعی این اطفال معصوم را با پاهای برهنه در روی برفها و در

سرمای زمستان دیدم بعد از ریختن بسیار اشک شعری را به عنوان

(کودک مهاجرافغان) سرودم که در سایت ها نشر شد وهمچنان از طریق

ویب سایت های انترنتی در یکی از شب ها مشاهده نمودم که دختر

کرد عراقی را که (دعا) نام داشت به جرم اینکه همسرش را خودش

انتخاب کرده بود مردان جوان کردبا نوک کفش وی را در روی جاده

لگد مال کرده و دخترک که باربار بخاطر نجات خودرا ازچنگ این

گرگان از زمین بلند میکرد. دوباره او را با لگد و سنگ

میزدند تا اینکه دختر بیچاره با سنگسارشدن جان میدهد واز تپیدن

میایستد. که با دیدن چنین صحنه فریاد و اشک در من میپیچد و بعداز

چند ساعتی شعری به عنوان (دعا) میسرایم که همان صحنه رادر

شعرم انعکاس داده ام.

۸- پرسش: خانم عزیزه عنایت! اشعار تان را در خدمت هنرمندان قرارداد ه

اید یا نه؟ اگر در اختیار شان قرار داد اید به کدام هنرمندان وگرنه

چرا؟

پاسخ: بلی بعضی از سروده هایم را آواز خوان محبوب کشور محترم

ولید همراز در آهنگ های خویش استفاده نموده و آنرا به علاقمندان هنر و موسیقی عرضه نموده است که از جمله یکی هم شعر مادر است (الای مادر مهر آورمن = نشاط خاطر و تاج سرمن).
و هم تعداد از شعر هایم به آواز محترم ظاهر توراج دکلماتور موفق کشورمان نیز دکلمه شده است .

9- پرسش: شما منحیث یک شاعر به کدام هنرمندان که در انتخاب شعر و ادای درست آن حین خواندن توجه دارند علاقه مند هستید و کدام آنها را میپسندید ؟

پاسخ : به کارهای همه ی هنرمندان کشورم ارج میگذارم ولی قابل تذکر است آنانیکه در راه موسیقی کشورمان زحمت و ریاضت زیاد کشیده اند قابل ستایش و تقدیر هستند که از جمله میتوان از مرحوم استاد محمد حسین سرآهنگ , مرحوم احمد ظاهر, استاد مسحور جمال, استاد ناشناس استاد مهوش, احمد ولی , استاد شریف غزل , فرهاد دریان , امیر جان صبوری, هنگامه و وحید قاسمی نام برد .
البته از هنرمندان جوان و تازه کار کشورمان محترم ظاهر شهاب , شفیق مرید, لطیف ننگر هاری بشیر همدرد نیز میتوان یاد کرد.

10- پرسش: عزیزه جان هر شاعر از یک سبک خاص شعری پیروی میکند شما از کدام شیوه در انتخاب سبک شعری تان استفاده میکنید ؟

پاسخ : البته که هر شاعر سبک بخصوص خویش را انتخاب میکند من با دید بگویم که شعرهای من بیشتر به سبک عراقی سروده شده است .

11- پرسش: به آثار کدام شاعران داخل و خارج کشور علاقه مند هستید ؟

پاسخ: به آثار بزرگان و شاعرانیکه بسیار علاقه خاص دارم حضرت ابوالمعانی بیدل, حضرت مولانا, حضرت حافظ شیرازی واز شاعران معاصر همی مهتری, سیمین بیهانی, رازق فانی, ضیای قاری زاده, حیدری و جودی , عنایت الله پویان شاعر پشتو, کریمه جان ملزم, فریبا جان آتش, محترم دستگیر نایل, محترم محسن زردادی, زینت نور و راحله یار .

12- پرسش: چرا با دید در شعر وزن و قافیه مراعت شود ؟

پاسخ : معمولاً شعرای جهان از دو قاعده شعری استفاده کرده اند که یکی شعر کلاسیک است که در شعر کلاسیک عروض (وزن) و قافیه حتمی است زیرا شعر کلام موزن , متخیل و مقفی است که بدون آن شعر کلاسیک از قالب شعری دور میشود. شعر نو - یا شعر سپید که آنرا

نیمائی هم میگویند غیر عروضی و بدون قافیه است ولی دارای آهنگ میباشد. ناگفته نباید گذاشت که در این اواخر تعداد هم به شعر پست مدرن رو آورده اند.

13- پرسش: فرق بین غزل، رباعی، مثنوی و قصیده چه است؟ میتوانید در مورد هر کدام آن کمی توضیح بدهید.

پاسخ: از پیدایش شعر دری فارسی. شعرای فارسی زبان به سرودن انواع و اقسام شعر طبع آزمائی کرده اند که از جمله میتوان قصیده، غزل رباعی، مثنوی، مستزاد، مخمس، قطعه، ترکیب بند، ترجیح بند، شعر مربع، شعر ملمع و تضمین را نام گرفت. و اینک بجواب پاسخ شما در زمینه به شرح ذیل میپردازم.

اول: غزل در معنی لغوی ادبی آن حدیث عشق را گویند و چون این نوع شعر بیشتر مشتمل بر سخنان عاشقانه است آنرا غزل نامیده اند ولی بعضاً موضوعات اخلاقی و اجتماعی نیز شامل آن شده میتواند. دومصرع اول آنرا مطلع و دومصرع اخیر آنرا که شاعر تخلص خویش را در آن ذکر میکند مقطع مینماید ابیات غزل از ۵ تا ۱۲ و بعضاً تا ۱۵ و ۱۶ نیز بوده میتواند. مثنوی: شعریست که در وزن یکی اما هر بیت آن دارای قافیه مستقل است که کلمه مثنوی بمعنی دو تائی است و ابیات مثنوی محدود نیست بنابراین، این نوع شعر را اکثراً برای ساختن تواریخ و بعضی افسانه های طولانی بکار میبرند خوشترین وزن های مثنوی در نظم شاهنامه فردوسی، حدیقه ثنائی و مثنوی مولانا است رباعی: که آنرا ترانه و دو بیتی هم میگویند که دارای دو بیت می باشد که قافیه در هر دو مصرع های بیت اول و چهارم رعایت شده و بر وزن (لاهل و الله قوت الابل) میباشد و یا ۴-۵-۶-۳-۲-۱ قصیده: نوع اشعاریست که بریک وزن و قافیه با مطلع مصرع مربوط به یک دیگر در بارهء موضوع و مقصود معین از قبیل مدح پادشاه، فتح نامه، مرثیه، مسایل اخلاقی، عرفانی و اجتماعی باشد که تعداد ابیات آن از ۲۰ تا ۸۰ و حتی ۱۵۰ و بیشتر هم شده میتواند.

14 - پرسش: از غزلهای کدام شاعران بیشتر استقبال میکنید؟

پاسخ: بتایید از سوال یازدهم باید بگویم که غزلیات شمس تبریز، حضرت حافظ، حضرت بیدل سخت مورد علاقه من است.

15 - پرسش: چرا در وطن ما شاعران زیادتر به دوبیتی ها علاقه مند بودند و هستند؟

پاسخ: شاعران وطن عزیزمان تنها به دوبیتی سرائی بلکه به سرودن غزل، مثنوی، رباعی و انواع شعر نیز طبع آزمائی کرده اند. و دوبیتی هم شامل این کتگوری میشود که اهالی روستاها و مردم محلی وطن عزیز ما بخاطر ساختن آهنگهای محلی بیشتر از دوبیتی ها استفاده میکنند که شاعران وطن ما با در نظر داشت چنین مسایل و علاقه مندی خودشان به دوبیتی سرائی نیز پرداخته اند.

16 - پرسش: عزیزه جان چرا در اشعار شما زیادتر رنگ روشن عاطفه، درد، سوز و ساز جلوه ی چشمگیری دارد؟

پاسخ: چون در جامعه ما غم و اندوه نسبت به شادی های زندگی بیشتر بوده است که غم ورنج در این گیر و دار، طبقه محروم و بی پناه کشورمان را درگیر کرده که اکثریت مردم ما با بی عدالتی ها فقر و ستم زندگی را بسر برده و میبرند مخصوصاً زنان جامعه ما درد بسیار کشیده اند لهذا با برداشت از دردهای جامعه و مردم خویش چنین عواطف در شعرهایم زیادتر انعکاس یافته است.

17 - پرسش: فرق بین شعر نو یا شعر سپید و کلاسیک چه است؟

پاسخ: شعر نو یا سپید شعر غیر عروضی و بدون قافیه میباشد ولی شعر کلاسیک دارای وزن و قافیه است.

18 - پرسش: قراریکه اطلاع دارم شما از جمله اردتمندان و شاگردان محترم

حاجی محمد عبدالحمید اسیرکه مشهور به قندی آغاه هستند میباشید نظر شما در مورد شخصیت والای این بزرگ مرد بیدل شناس معروف کشور ما چه است؟

پاسخ: تا جائیکه من شناختی از شخصیت روحانی جناب قندی آغا دارم ایشان

مانند ستاره ی درخشان در آسمان ادبیات کشور ما درخشیدند و کارکردهای شان در عرصه غنای فرهنگی و ادبیات دری، فارسی قابل قدر و ستایش است و آثار زیادی از جناب شان باقی مانده که از جمله میتوان کلید عرفان، جنون شوکتان، پیوند دل و صف عرفا، پنج بنای تصوف، گوشهء فراغ، نجوای شیب رانامبرد.

19 - پرسش: قراریکه معلوم است محترم قندی آغا در ایام جوانی با حلقه های

درسی بیدل، مولانا و دیگر عرفا مصروف بودند آیا قندی آغا در این حلقه از خود شاگردانی هم داشته و اگر داشته میتوانید از آنها نام

ببرید ؟

پاسخ: جناب قندی آغا استاد سخن، بیشترین حصه عمر خویش را در راه بیدل شناسی و تربیت شاگردان خویش صرف نمودند که شاگردان زیادی از ایشان مانده اند و قراریکه اطلاع دارم تا کنون حلقهء بیدل شناسی را در کابل پسر بزرگ شان استاد محترم عبدالعزیز مهجور شاعر و نویسنده و در پشاور محترم محمد احسان فرزند دوم شان در هالند محترم حاجی محمد کبیر رازقی عارف بزرگ و محترم عبدالوهاب فایز شاعر و نویسنده از شاگردان و اردتمندان جناب شان هستند پیش میبرند که تعداد زیادی از هموطنان و علاقه مندان بیدل در این حلقه شامل اند. و همه ساله روزهای عرس حضرت مولانا، حضرت ابوالمعانی بیدل و حضرت غوث الاعظم دستیگر تجلیل میگردد که ارادتمندان زیاد دی در آن اشتراک میکنند.

20 - پرسش: به نظر شما فرق بین عرفان و تصوف در چه است ؟

پاسخ: قابل تذکر است که هر دو از یک ریشه آب میخورد ولی صوفی از شریعت پیروی میکند و بسیار پا بند قوانین شریعت است مگر عارف از این مقام فراتر رفته و از راه علوم به حقیقت رسیده یعنی تجلی ذات یکتائی همیشه در نظرش مجسم و میدرخشد که محو، و سرشار دیدار معشوق است. چنانچه در یکی از روزها که حضرت مولانا در گوشهء نشسته و غرق در اندیشهء خود بود که پیروانش صدا زدند، حالا موقع نماز دیگر (عصر) است برویم که نماز گذاریم. در جواب حضرت مولانا میفرماید. میدانم آن نماز دیگر (عصر) است و این نماز دیگر است یعنی که اندیشه عشق معشوق (خداوند) بهتر از نماز برایشان بوده.

21 - پرسش: نظر شما در مورد موسیقی سماع چه است و طریقه چشتیه

با ساز و آواز و پای کوبی هم رابطهء دارد ؟

پاسخ: شعر و موسیقی این دو هنر پیوند مستحکمی با یک دیگر دارند.

که باموجودیت این هر دو موسیقی لذت خاص خود را دارد. در مورد رقص سماع که سلسلهء بسیار کهنی با عالم تصوف دارد و در تمام مذاهب عبارت اند از بودیزم، مسحیت و باظهور اسلام نیز در بین مسلمانان مروج بوده است که این رقص را بیشتر به مولانای بزرگ نسبت میدهند چون عارف از جلو ه

معشوق (ذات پروردگار) بوجد آمده و به رقص میپردازد. کسه حکایت رقص سماع حضرت مولانا و مرید شدن صلاح الدین زرکوب به مولانای بزرگ, بیانگر آن است .

اما طریقهء چشتیه که عبارت از ساز و آواز است این موسیقی از زمان خواجه نظام الدین اولیا رایج یافته که با ساز آواز آغا ز میشود و بیشتر در این نوع موسیقی نعت, حمد و ثنا و غزلیات عارفا نه خوانده میشود .

22 - پرسش: کدام عوامل و انگیزه ها شما را زیاد تر وادار میساز که با ید شعر بسراید .

پاسخ : هر پدیدهء که برایم الهام بخش باشد. بطورمثال درد ورنج های یک انسان , فریاد و ناله بینوایان , دیدن منظرهء زیبای طبیعت و حتی بانگ مرغ سحر که غزلی هم در این رابطه دارم .

مرغ سحر بانگ زد غفلتم آگه نمود

دیده گشودم ز خواب صبح دل افروز بود

صبح پر از نور مهر صبح دل آویز و شاد

دامن شب چیده بود صفحهء چرخ کمبود

23 - پرسش: به نظر شما یک شاعر به خاطر توصیف های درست و تصویرهای بجا و مناسب در توانائی کلام شعری خود از کدام سلیقه ها باید استفاده کند؟

پاسخ : شاعر با ید ظرافت های شعری را در نظر داشته باشد تخیل پردازی, نوآوری داشته باشد. شعر با ید از دل برخیزد که تا بردل ها نشیند .

24 - پرسش : عزیزه جان قرار یکه اطلاع داریم در اثر زحمات فراوانی ذوق و علاقه مندی تان یک تعداد از آثار و مقاله های شما نشر گردیده است میتوانید به طور مختصر در آن زمینه صحبت کنید ؟

پاسخ : بلی علاوه از اینکه دواثر خویش را بنام های سیر زندگی و فروغ سحر به نشر رسانیده ام مقالاتی نیز در عرصه های اجتماعی سیاسی به سایت های مختلف مثل آریائی, جام غور, بادغیس, مشعل روزنه, کاتب هزاره, سایت ففتا, وطن, پرستوها نیز غرض نشر ارسال نموده ام که هریک بموقع آن منتشر شده است . که از آنها سپاس گزارم .

25 - پرسش: اگر لطف نموده بگوید که چرا راه مهاجرت را در پیش گرفتید

و فعلاً در کدام کشور زندگی میکنید؟

پاسخ: تشکر از شما با دید بگویم که نسبت شرایط نا گوار افغانستان عزیز، وطن را ترک کردم و چنانچه قبلاً در مورد سکونت فعلی ام روشنی انداخته ام باز هم اضافه میدارم که در کشور ها لند زندگی میکنم.

26 - پرسش: عزیزه جان قراریکه اطلاع داریم در این اواخر شورای همبستگی

زنان افغانستان در کشور المان شهر هامبورگ سمیناری رابه مناسبت روز جهانی محو خشونت علیه زنان بر پا نموده بودند و شما هم در آن اشتراک کرده بودید. سهم شما در این جلسه چگونه بود و نظر تان در این مورد چه است؟

پاسخ: زنان در آسیای میانه و مخصوصاً در افغانستان از سالهای متمادی با خشونت های گوناگونی روبر هستند که خوشبختانه در این اواخر نهاد ها، کانون های فرهنگی و روشنفکران وطن عزیز ما سعی دارند تا با گرد همائی ها و نشست ها با ارایه نظریات و پیشنهادات سالم راه بیرون رفت از این ورطه را جستجو و با اتحاد و همبستگی در برابر این مشکل مشترکاً تمام روشنفکران مبارزه کنند که تاریخ ۲۱

نومبر سال ۲۰۰۹ میلادی در هامبورگ نیز یکی از این فعالیت ها بشمار میرود که از جانب شورای همبستگی زنان هامبورگ که مسئولیت این شورارامحترمه نجیبه جان هوتکی به عهده دارد، راه اندازی شده بود و اینجانب نیز در این نشست اشتراک و با ارایه نظریات و خوانش مقاله ی که به همین مناسبت ترتیب داده بودم سهم گرفته واز دیدار زنان منور و فرهنگیان کشورم نیز مستفید شدم.

27 - پرسش: نظر شما در مورد وضع کنونی فرهنگی کشور ما چه است و

پیام شما به فرهنگیان ما که در داخل و خارج کشور زندگی می کنند چه میباشد؟

پاسخ: افغانستان عزیز کشوری است دارای فرهنگ بسیار کهن و غنی. بر ما ست که بخاطر حفظ ونگهداری آن بکوشیم ونگذاریم که فرهنگ بیگانه و کشورهای ذیدخل، فرهنگ و کلتور مردم افغانستان را تحت تاثیر قرار دهد. و قلم بدستان کشورمان فعالیت های بیشتری را در این عرصه از طریق نوشته ها روی دست گیرند

28 - پرسش: خانم عنایت قراریکه اطلاع داریم شما از کدام مدت در مکتب

متوسطه ی شهر تلبرخ کشور هالند مصروف تدریس کلتور و فرهنگ افغانستان هستید؟ آیا از کارتان راضی هستید یا خیر؟
پاسخ: با سپاس از شما باید بگویم که از سال ۲۰۰۴ بدینسو بعد از پیمودن کورس کوتاه مدت از طریق دفتر پناهندگان به این وظیفه گماشته شده ام که تاکنون مصروف آن هستم و کار مورد علاقه ی من است. و هم تدریس کلتور افغانستان و معلومات درباره آن برای شاگردان نیز بسیار جالب و دلچسپ است که در باره افغانستان از من بسیار سوال میکنند که بعد از ختم درس به جواب سوالات آنان میپردازم.

29- پرسش: پیامتان به هموطنان عزیز ما چه است؟

پاسخ: گفتنی بیش ندارم فقط علاوه میکنم در شرایط دشوار کشور باید متحذانه در راه استقرار صلح و امنیت کشورمان با همبستگی و دور از هر نوع تبعیض بکوشیم. و نگذاریم که دشمنان میهن بیشتر از این، وطن ما را به خاک و خون بکشانند.
تشکر از شما که به سوالات بنده پاسخ ارائه کردید در اخیر کامیابی سرفرازی، و موفقیت های شایان شمارا در عرصهء کارهای ادبی و فرهنگیتان از درگاه خداوند متعال خواهانم.
از شما هم جهان سپاس بآرزوی سلامتی شما و همهء هموطنان عزیز یکه در هر گوشهء این جهان پهناور قرار دارند.
در این قسمت چند پارچه شعر محترمه خانم عنایت را از دواثر چاپ شده شان برگزیده و تقدیم به خوانندگان عزیز میدارم.
باعرض حرمت انجنیر عبدالقادر مسعود

آفتاب آرزو

در صف صابردلان بر علم و فن پیچیده ام

رشتهء ناب حیا بر خویشان پیچیده ام

خویشرا پروانه علم و ادب انگاشتن

هر کجا در گردشع انجن پیچیده ام

من بیاد قوم و ملکم همچنان تارحریر

سو ختم , در آتش عشق وطن پیچیده ام
در تفر جگاه الفت هر کجا ای دوستان
چون نسیم صبحگاه هی در چمن پیچیده ام
آب گردد زمهریر از آفتاب آرزو
بر قبای آرزو ها خو یشتن پیچیده ام
از کشاکش های دنیا نیستم فارغ دمی
در حریم زندگی با ما و من پیچیده ام
مدتی شد ای (عزیزه) در دیار غر بتم
رشته های همدلی بر ملک تن پیچیده ام

**** سرود عشق ****

ساقی بیار باده که آمد بهار ما
گل رنگ میبرد زمی پرخمار ما
ما باده نوش فصل بهاریم و می پرست
بلبل بیای گل بنشیند کنار ما
از تار ما صبا بنواز د سرود عشق
صد غنچه بشکفد به گلستان ز تار ما
آسان زکوی یار بیرون کی کشیم پا
تا نشنود نوای دل بیقرار ما
در سر هوای عشق چرا پر وریده ایم
آخر بسوزد ت چو (عزیزه) شرار ما